

Analyzing the legal rules governing the remedy caused by the termination of the contract and predicting its breach with emphasis on international documents

Hadi rosta¹, Jafar hashemi Bajgani², Amirmohammad sediqian³

Abstract

Field and Aims: Today, businessmen in their international exchanges often use the contract of sale, which is sometimes breach by one of the parties, And inevitably, to compensate for the damage, compensation methods should be used in different systems of the world. In this regard, compensation for contractual damages has been fully accepted in most legal systems and international documents, which include the principles of European contracts and the principles of international commercial contracts, as well as the Convention on the International Sale of Goods But in Iran, internal legal rules are still used when necessary which has caused legal challenges in this regard.

Method: The present research was carried out with a descriptive analytical method.

Finding and Conclusion: The findings of the present research showed that the principles of international documents that are important in the enactment of laws and principles governing contracts in terms of anticipating violations and termination and finally compensation have not been included in the legal rules of the subject as it should be, because the review and analysis The assessment of damages caused by breach of contract in Iranian law compared to international documents indicates the weakness of Iran's legal system, as a result of the need for Iran's judicial system to apply international principles and documents and legal rules governing contracts in line with commercial and economic interactions at the international level. And compensation for damages caused by breach of contract is necessary.

Keywords: nternational documents, Anticipation of breach of contract, Compensation, Termination of Contract, Legal rules.

*Citation (APA): rosta, H., hashemi Bajgani, J., sediqian, A. (2022). Analyzing the legal rules governing the remedy caused by the termination of the contract and predicting its breach with emphasis on international documents. *International Legal Research*, 15(56), 173-196.

https://alr.ctb.iau.ir/article_693544.html?lang=en

1. Doctoral student of private law, Meybod branch, Islamic Azad University, Meybod, Iran
Email: hadiroosta60@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Law, Meibod Branch, Islamic Azad University, Meibod, Iran
(Author). Email: sjafarhashemi@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Law, Meibod Branch, Islamic Azad University, Meibod, Iran
Email: asediqian@yahoo.com

واکاوی قواعد حقوقی حاکم بر جبران خسارت ناشی از فسخ قرارداد و پیش بینی نقض آن با تأکید بر اسناد بین الملل

هادی روستا^۱، جعفر هاشمی باجگانی^۲، امیرمحمد صدیقیان^۳

چکیده

زمینه و هدف: امروزه تجار در مبادلات بین المللی خود اغلب از عقد بیع استفاده می نمایند که گاهی از سوی یکی از طرفین نقض می گردد و به ناچار برای جبران خسارت بایستی از روش های جبران در نظام های مختلف دنیا بهره برد. در این راستا جبران خسارات قراردادی به صورت کامل در اغلب سیستم های حقوقی و اسناد بین المللی که شامل اصول قراردادهای اروپایی و اصول قراردادهای تجارتی بین المللی و همین طور کنوانسیون بیع بین المللی کالا می باشد مورد پذیرش قرار گرفته است، ولی در ایران همچنان از قواعد حقوقی موضوعه داخلی در مواقع لزوم استفاده می شود که این امر موجب چالش های حقوقی در این خصوص شده است.

روش: پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

یافته ها و نتایج: یافته های پژوهش حاضر نشان داد در قواعد حقوقی موضوعه آن چنان که باید اصول اسناد بین الملل مورد اهمیت در تقنین قوانین و اصول حاکم بر قراردادها از حیث پیش بینی نقض و اعمال فسخ و نهایتاً جبران خسارت قرار نگرفته است؛ چرا که بررسی و تحلیل ارزیابی جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد در حقوق ایران در مقایسه با اسناد بین المللی حاکی از ضعف نظام حقوقی ایران می باشد در نتیجه لزوم به کارگیری نظام قضایی ایران از اصول و اسناد بین المللی و قواعد حقوقی حاکم بر قراردادها در راستای تعاملات تجاری و اقتصادی در سطح بین الملل و جبران خسارات ناشی از نقض قرارداد امری لازم می باشد.

کلیدواژه ها: اسناد بین الملل، پیش بینی نقض قرارداد، جبران خسارت، فسخ قرارداد، قواعد حقوقی.

* استناددهی (APA): روستا، هادی؛ هاشمی باجگانی، جعفر؛ صدیقیان، امیرمحمد. (۱۴۰۱). واکاوی قواعد حقوقی حاکم بر جبران خسارت ناشی از فسخ قرارداد و پیش بینی نقض آن با تأکید بر اسناد بین الملل. *تحقیقات حقوقی بین المللی*، ۱۵(۵۶)، ۱۷۳-۱۹۶.

https://alr.ctb.iau.ir/article_693544.html

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران. رایانامه: hadiroosta60@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران (نویسنده مسئول).

رایانامه: sjafarhashemi@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران. رایانامه: asediqian@yahoo.com

مقدمه

ابتدایی‌ترین حالت جبران خسارت در خصوص جبران خسارات وارده به اشخاص، اعاده وضع به حالت سابق می‌باشد، بنابراین بعد از جلوگیری از ایجاد ضرر و خسارت در آینده، بایستی ضرره‌ای گذشته نیز ترمیم گردد. در همین راستا ماده ۳۱۱ قانون مدنی مقرر کرده است: «غاصب باید مال محسوب را عیناً به صاحب آن مسترد نماید...» و به عبارتی اگر عین موجود باشد باید همان عین مسترد گردد. در این ماده دو حکم تکلیفی (حرمت تصرف مال غیر و وجوب رد عین) و وضعی (رد مال دیگری به صاحبش) قابل استنباط می‌باشد (ره‌پیک، ۱۳۸۱: ۶۱).

در حقوق ایران دیدگاه وجود دارد که بیانگر این است که اصل جبران خسارت مستند صریحی در متون قانونی و فقهی ندارد و نتیجه تئوری‌پردازی حقوقدانان می‌باشد، با اینکه پذیرش نظریه فوق منافی با مبانی قانونی و فقهی ندارد؛ ضرورت و مطلوبیتی نیز برای آن قابل تصور نیست و قابلیت جبران خسارت را بایستی با توجه به عوامل اساسی و بنیادی همچون زمینه محدود و مبنای مسئولیت و نحوه ورود زیان تعیین و مشخص نمود (بابائی، ۱۳۸۴: ۹۰).

با این حال در راستای انعقاد قراردادها و در موارد لزوم جهت اعمال فسخ و جبران خسارات قراردادی، پیدایش و تنوع قواعد و مقررات مختلف حقوقی در کشورهای مختلف و نداشتن احاطه به تمامی آنها، موانع جدی در ایجاد ارتباط سریع همراه با اطمینان خاطر اتباع این کشورها با یکدیگر را ایجاد می‌نماید (امینی، ۱۳۹۲: ۲۴).

این مسئله باعث شد تا امروزه جهت توسعه و رشد تجارت بین‌المللی، یکسان‌سازی و هماهنگ‌سازی حقوق خصوصاً در قراردادها اسنادی تدوین و اجرا گردد. تدوین اسنادی همچون کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، اصول قراردادهای اروپا و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی همگان نتیجه تلاش برای هماهنگ‌سازی می‌باشد که تجار بتوانند برای کسب موفقیت در عرصه تجارت بین‌الملل، قراردادهای کم‌خطری را منعقد نمایند که با تنوع قوانین و مقررات در نظام‌های مختلف حقوقی و عدم تسلط کافی بر همه آنها، پیش‌بینی تعهدات حقوق ناشی از قراردادها تنها در سایه قواعد یکسان بین‌المللی قابل تحقق می‌باشد (شعاریان و رحیمی، ۱۳۹۳: ۴۸). مضاف بر این موضوعاتی وجود دارد که مقررات داخلی به تنهایی برای ایجاد انضباط کافی در آنها، دیده نمی‌شود و لازم است با وضع مقررات بین‌المللی هماهنگ و یکسان‌سازی کشورهای دیگر به آنها نظم و ترتیب خاصی داد (شیروی، ۱۳۹۲: ۶۱).

لذا پژوهش حاضر ضمن واکاوی قواعد حقوقی حاکم بر جبران خسارت ناشی از فسخ قراردادها به دنبال تطبیق مواضع حقوق ایران با اسناد بین‌الملل در این امر می‌باشد و به دنبال بررسی تطبیقی شیوه‌های فسخ قرارداد در پی شیوه‌های نقض قرارداد می‌باشد؛ چرا که در تألیفات حقوق داخلی بحث مستقل و منسجمی در این خصوص وجود ندارد، لذا با تکیه بر اسناد بین‌المللی در این

زمینه با مقایسه با مباحث حقوق داخلی ایران جبران کامل خسارت و اعاده وضع زیان دیده به حالت اجرای کامل قرارداد مورد تحلیل قرار گرفته است.

۱. جبران خسارت قراردادی

مطابق اصل جبران کامل خسارت قراردادی، مسئولیت قهری و هم مبانی مسئولیت قراردادی، در مورد مبانی و شرایط و دیگر مسائل مرتبط عیناً منطبق بر هم هستند، ولی با عناوین متفاوتی ذکر می‌شوند که در نهایت در آثار و نتایج یکسان هستند و در حقوق داخلی منطبق با قاعده لا ضرر در فقه و حقوق ایران می‌باشد. فلذا در ادامه به جهت تبیین اصل جبران خسارت قراردادی در حقوق ایران و از منظر اسناد بین‌الملل به تفصیل مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

۱-۱. جبران خسارت (اعاده به وضع سابق) در حقوق ایران

با عنایت به اینکه در حقوق ایران در ارتباط با جبران کامل خسارات اصول اولیه بر اساس قاعده لا ضرر و لاضرار فی الاسلام، اصل اعاده به وضع سابق هست (ماده ۱۳۲ قانون مدنی نیز در این موضوع بیان می‌گردد) (قاسم‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۶۱). مرحله بعد بایستی وضعیت زیان دیده به حالت قبلی خویش اعاده گردد، اما منظور از اعاده به وضع سابق در معنای فلسفی و منطقی آن نمی‌باشد؛ چرا که این امکان وجود ندارد که زمان به عقب برگردد و با وضعیت گذشته فرد منطبق گردد ولیکن از لحاظ اعتباری این امکان در عالم اعتبار وجود دارد حالت فرد زیان دیده به گذشته‌ای که در آن زیان وجود خارجی ندارد اعاده گردد.

در همین راستا ماده ۳۲۹ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد: «اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب نماید باید آن را به مثل صورت اول بنا نماید و اگر ممکن نباشد باید از عهده قیمت آن برآید» از مفاد این ماده چنین برمی‌آید که اصل اعاده به وضع سابق و یا به عبارتی دیگر جبران کامل خسارت را بیان می‌کند؛ چرا که اجرای حکم ماده فوق در ارتباط با چگونگی جبران خسارت می‌باشد و هیچ‌گونه قید و اختصاصی در رابطه با اتلاف ساختمان و بنا نمی‌باشد و در هر موقعیتی که شخصی به دیگری زبانی وارد نماید خواه به مباشرت و خواه به تسبیب باید رعایت گردد (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲۶۷).

۲-۱. جبران کامل خسارت از منظر اسناد بین‌المللی

۱-۲-۱. جبران کامل خسارت در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

در خصوص جبران کامل خسارت ماده ۷۴ کنوانسیون وین مقرر نموده است: «خسارت ناشی در نقض تعهد توسط یکی از طرفین معامله مبلغی می‌باشد مساوی با خسارت از جمله عدم‌النفعی که طرف دیگر، در نتیجه نقض عهد متحمل شده است. این خسارت مذکور که طرف ناقض قرارداد، هنگام انعقاد قرارداد به عنوان نتیجه محتمل نقض عهد پیش‌بینی کرده یا بر اساس واقعیات و

موضوعاتی که او از آن آگاهی داشته است یا بایستی آگاهی داشته باشد، می‌توانست پیش‌بینی نماید، فراتر نخواهد رفت».

ماده مذکور از مهم‌ترین مواد کنوانسیون در تعیین میزان خسارت می‌باشد، هرچند آن ماده به اصل جبران کامل اشاره نکرده است، ولیکن می‌توان این اصل را از مفاد ماده استنباط نمود؛ به نظر می‌رسد عبارت ماده وقتی از واژه خسارت به صورت اطلاق استفاده نموده و عدم‌النفع را نیز در پوشش جای داده است، همان هدف در اصل، جبران کامل را در نظر دارد، به شکلی که بیان شده است «ماده ۷۴ بر این اصل استوار می‌باشد که جبران خسارت باید به نحوی باشد که زیان دیده را در وضعیتی که از قرارداد توقع داشته است، قرار دهد» دلیل وضع چنین ماده‌ای قرار دادن موقعیت زیان دیده به موقعیتی که در صورت انجام تعهد از آن موقعیت و وضع برخوردار می‌شد (رنجبر، ۱۳۹۱: ۵۴). مضاف بر آن در بعضی از آرای داوری نیز اصل جبران کامل خسارت از ماده ۷۴ برداشت می‌شود؛ در اجرا نیز ماده ۷۴ دربردارنده تمام خسارات اصلی و وابسته و نیز حق‌الوکاله وکیل را در بردارد (بارراگراف^۱، ۱۳۷۳: ۸۸).

۱-۲-۲. جبران کامل خسارت در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی

مواد ۲-۴-۷ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی بیان داشته: «شخص زیان دیده به علت تحمل زیان ناشی از اجرا نشدن قرارداد برای دریافت غرامت کامل مستحق است. این زیان‌ها شامل هرگونه خسارت وارده و هر نفعی را شامل می‌شود که شخص زیان دیده از آن محروم می‌باشد با احتساب تمام منافع مختص که از شخص زیان دیده که ناشی از تحمیل هزینه می‌باشد. خسارت مزبور ممکن است غیرمالی و به‌عنوان نمونه شامل تمام صدمات جسمی و یا فشار روحی وی باشد (بونل^۲، ۲۰۱۲: ۱۵۶).

البته دریافت خسارت به دلیل صدمه و زیان غیرمادی اشکال متفاوتی ممکن است داشته باشد و تصمیم در این مورد که هر کدام شکل مزبور خواه جمعی، خواه فردی به بهترین شکل خسارت کامل را جبران می‌نماید بر عهده دادگاه می‌باشد. دادگاه همان‌گونه که می‌تواند به پرداخت خسارت حکم دهد می‌تواند از سایر اشکال جبران ضرر و زیان مانند نشر آگهی در روزنامه‌های رسمی استفاده نماید (اخلاقی و امام، ۱۳۸۵: ۲۹۲).

۱-۲-۳. جبران خسارت کامل در اصول اروپایی قراردادها

مطابق ماده ۵۰۲-۹ اصول اروپایی قراردادها مقرر داشته است: «اقدام متعارف در پرداخت خسارت، میزانی از خسارت می‌باشد که زیان دیده را در موقعیتی نزدیک به اجرای کامل قرارداد، قرار دهد. این خسارت هم خساراتی که او از به دست آوردن آن‌ها محروم شده است».

1. Barragraph
2. Bonell

ماده مذکور به تصریح به جبران کامل زیان‌ها اشاره دارد، لذا عبارت ماده فوق با پیش‌بینی اینکه خسارت به نحوی باشد که تا جای ممکن خسارت دیده را در جایگاهی قرار دهد که چنانچه انجام می‌شد، از آن منتفع می‌گشت، اصل مذکور را به رسمیت شناخته و به عبارتی بهتر اصل مذکور در ماده تعریف شده است، اما اشاره به آن نشده، ولی می‌تواند چنین امری در حد تصریح باشد. در این رابطه بیان شده که منای این ماده را بایستی در نظریه نفع متوقع جستجو نمود؛ به این صورت که طرف متضرر استحقاق دریافت خسارت مورد انتفاع در اجرای کامل قرارداد را دارد (لاندو و بیل^۱، ۲۰۰۰: ۴۳۸).

معذالک زیان‌های وابسته و تبعی نیز تحت شمول ماده مذکور و اصل جبران و پوشش کامل زیان‌ها می‌باشد. خسارات وابسته یعنی سببیت نقض تعهد در ایجاد آنها با واسطه امور، اقدامات و حوادث دیگری باشد؛ در این رابطه خسارت وابسته از نقض تعهد ناشی می‌شود و اقدامات بعدی خسارت دیده در آن تأثیری نخواهد داشت (تیتنتون^۲، ۲۰۰۸: ۱۷۹).

۲. ویژگی‌های خاص زیان‌های قابل جبران در اسناد بین‌المللی

۲-۱. ویژگی مالی بودن زیان

در کنوانسیون بین‌المللی مطابق ماده ۵ مقرر شده که: «کنوانسیون حاضر نسبت به مسئولیت بایع برای خسارات شخصی ناشی از انتقال کالا یا مرگ هر شخصی وارد شود، قابلیت اعمال نخواهد داشت» عده‌ای عبارت را به زیان‌های بدنی^۳ نموده‌اند (صفایی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۴)، ولی با توجه به ظاهر کنوانسیون ترجمه به خسارات شخصی عنوان بهتر و کلی‌تری داشته و حتی می‌تواند شامل خسارات معنوی نیز گردد و با ماده ۴ که فقط کنوانسیون را شامل حقوق و تعهدات ناشی از بیع دانسته است تطابق بیشتری دارد. در رابطه با این زیان‌ها در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و همین‌طور در اصول قراردادهای اروپایی مقررهای دیده نمی‌شود. عده‌ای بر این اعتقادند که اگر خریدار به دلیل زیان‌های شخصی وارده و اشخاص ثالث ملزم به جبران مالی در برابر آنها باشد این مقرر و مطالبه این خسارت مشمول استثنای مقرررات ماده ۵ کنوانسیون خواهد بود (داونی^۴، ۲۰۱۳: ۵۲). این تفسیر به نظر صحیح نمی‌باشد، به این دلیل که تفسیر موسع اولاً یک استثنا می‌باشد که خلاف اصول تفسیر می‌باشد و استثنا باید در موارد احصایی در موضع نص تفسیر گردد؛ دوماً زیان وارده به خریدار زیان مالی می‌باشد و نه زیان شخصی و زیان شخص ثالث با زیان مالی وارد به خریدار تفاوت دارد.

1. Lando, Beal
2. tettenton
3. Personal injury
4. Downie



۲-۲. ویژگی مادی بودن زیان

در اصول قراردادهای اروپا خسارات غیرمالی اعم از زیان‌های ناشی از صدمات بدنی صدمات روحی روانی تلقی شده‌اند که مطابق ماده ۵۰۱-۹ قابل مطالبه می‌باشد (لاندو^۱، ۲۰۰۰: ۴۳۸). در ماده ۲-۴-۷ اصول قراردادهای اروپایی همچنین زیان‌های مالی من جمله زیان‌های جسمی یا روحی قابلیت مطالبه دارند، اما در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا به امکان مطالبه خسارت معنوی اشاره‌ای نشده است، به نظر با توجه به موارد زیر، عدم امکان مطالبه زیان‌های معنوی در کنوانسیون از قوت بیشتری برخوردار می‌باشد.

- (۱) با توجه به ماده ۴ کنوانسیون فقط تعهدات و حقوق قراردادی بیع در شمول کنوانسیون می‌باشد و قاعدتاً این تعهدات خسارات معنوی را پوشش نمی‌دهد؛
- (۲) با توجه به ماده ۵ کنوانسیون مرگ و زیان‌های شخصی از شمول کنوانسیون خارج می‌باشد، که به نظر می‌رسد ضرر شخصی شامل ضرر معنوی نیز خواهد بود؛
- (۳) با عنایت به بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون تفسیر قرارداد بایستی با لحاظ بین‌المللی بودن عقد صورت بگیرد که تمرکز و انحصار بر اموال دارد؛ در حالی که زیان‌های معنوی با این ویژگی سازگاری لازم را ندارد؛
- (۴) حقوق داخلی کشورها با خسارات معنوی و نحوه پوشش آنها برخورد‌های متفاوت و متنوعی داشته است و لذا تبعیت نمودن از قواعد حقوق ملی در این رابطه به نظر نویسندگان کنوانسیون برای اعمال بیشتر کنوانسیون مورد مصلحت تشخیص داده شد.

۲-۳. داشتن منفعت برای متعهدله

منظور از ذی‌نفع بودن و داشتن منفعت برای متعهدله این است که قراردادی بین طرفین منعقد بوده و مطابق قرارداد سودی به متعهدله خواهد رسید که با زیان وارده سود مذکور منتفی شده است. با مطابق مواد ۴ و ۷۴ کنوانسیون خسارات طرفینی مورد حمایت قرار می‌گیرد و لذا زیان‌های وارده بر اموال شخص ثالث از مقررات کنوانسیون خارج می‌باشد و بایستی مطابق قواعد حقوق ملی رسیدگی گردد.

ویژگی بین‌المللی بودن تجارت این اقتضا را دارد که اشخاص ثالثی که با قرارداد بیع بین‌المللی کنوانسیون ارتباطی ندارند، از شمول آن خارج بوده و رسیدگی مطابق قواعد حقوق داخلی باشد. موضع اخیر در ماده ۱-۴-۷ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و ۵۰۱-۹ اصول قراردادهای اروپایی هم اتخاذ شده است (داونی^۲، ۲۰۱۳: ۵۲).

1. Lando
2. Downie

۳. اعمال فسخ قراردادها

از جمله فواید فسخ پیش از فرارسیدن موعد انجام قرارداد این است که با رعایت امکان فروش مجدد کالای خود را خواهد داشت و از طرفی مشتری امکان خرید مجدد میباید را دارد و اگر خسارتی در این زمینه وارد شده باشد، فسخ قرارداد حق مطالبه خسارت را خواهد داد. لیکن در حقوق ایران با عنایت به مباحث مطروحه مقرراتی شبیه به آنچه در اسناد بین‌المللی آمده است موجود نمی‌باشد و مقرراتی نیز مشابه کنوانسیون یا اصول قراردادهای اروپایی در خصوص فسخ به دلیل نقض احتمالی وجود ندارد. در مقررات ایران متعهدله برای بهره‌مندی از ضمانت اجرای عدم انجام تعهدات قراردادی متعهد بایستی منتظر زمان سررسید ایفای تعهد باشد. به عبارتی برای ایفای تعهد موعد مقرر شده و آن موعد منقضی گردد یا متعهدله ایفای تعهد را مطالبه نماید و متعهد به تعهد خود عمل نکند، در صورتی که تعیین زمان اجرای تعهد با متعهدله باشد. به عبارتی دقیق‌تر در حقوق ایران تعهد زمان متصل است و دو حالت دارد قبل از زمان ایفای تعهد که ضمانت اجرایی ندارد و بعد از فرارسیدن موعد آنکه امکان مطالبه خسارت یا فسخ قرارداد فراهم است.

۳-۱. فسخ قراردادها در قواعد حقوقی ایران

مطابق ماده ۲۱۹ قانون مدنی: «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم است مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود» از طرف دیگر با فرارسیدن زمان ایفای تعهد و عدم اجرای آن، متعهدله بایستی ابتدا متعهد را مجبور به ایفای تعهد نماید و اگر ممکن نشد، تعهد به وسیله شخص دیگر را به خرج متعهد صورت پذیرد و در نهایت امر اگر این کار هم میسر نشد به متعهدله حق فسخ قرارداد اعطا می‌گردد (استنباط از مواد ۲۳۸ و ۲۳۹ قانون مدنی) (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۲۴)؛ بنابراین به طریق اولی در رابطه پیش‌بینی نقض به متعهدله نمی‌توان حق فسخ قرارداد را داد.

با وجود این، با تدقیق در مقررات حقوقی ایران شاید بتوان به موارد مشابهی دست یافت که تا حد امکان فصل قرارداد در نتیجه پیش‌بینی نقض را استنباط نمود. شاید بر مبنای قاعده شرط ضمن عقد و شروط بتوان امکان فسخ قرارداد را بر مبنای پیش‌بینی نقض فراهم نمود. مطابق قاعده شروط تعهدات و شروطی که بین طرفین چه به صورت شرط ضمن عقد و چه به صورت ابتدایی منعقد گردیده، اگر شرایط اعتبار قرارداد را داشته باشند نافذ و لازم‌الاجرا هست و مشروط‌علیه نمی‌تواند از انجام آنها امتناع ورزد.

به این صورت که متعهدله می‌تواند در ذیل قرارداد شرط نماید که هرگاه طرف دیگر پیش از تصمیم به ترک انجام و جلوی ایفای تعهدات قراردادی خود را بگیرد و برای متعهدله بر اساس شواهد احراز گردد که متعهد قصد ایفای تعهد را در سررسید ندارد یا شرط کند که اگر در پیش

از سررسید معلوم شود، یک طرف مرتکب نقض عمده قرارداد شود طی مراتبی حق تعلیق یا حق فسخ برای وی ایجاد شود.

در این رابطه ماده ۵۳۰ قانون تجارت مقرر می‌کند: «مال‌التجاره‌هایی که تاجر ورشکسته به حساب دیگری خریداری کرده است و عین آن موجود است اگر قیمت آن پرداخت نشده باشد از طرف فروشنده و یا از طرف کسی که به حساب او آن مال خریداری شده قابل استرداد است»، اما در رابطه با اینکه مقررات فوق برای فسخ تدوین گشته یا برای تعلیق قرارداد محل اختلاف است. از سویی با توجه به ماده ۵۳۴ که امکان درخواست مال‌التجاره را پیش‌بینی می‌نماید با حق حبس از یک مبنا می‌باشد و سازگاری دارد، اما با توجه به مدلول ماده ۵۳۰ قانون تجارت استنباط حق فسخ قوی‌تر می‌باشد. در نتیجه باید اذعان نمود که در حقوق ایران ورشکستگی سبب می‌شود که دیون و تعهدات آتی حال شود (ماده ۴۲۱ قانون تجارت)، نمی‌توان به صراحت بیان نمود که ورشکستگی یک طرف در قرارداد سبب نقض اساسی قرارداد خواهد شد و بر همین اساس برای طرف دیگر حق فسخ به وجود آید. در واقع ورشکستگی موجباتی را فراهم می‌آورد که ثمن حال شود و بایع بتواند از تسلیم مبیع خودداری کند، بنابراین پیش‌بینی نقض مصداقی نخواهد داشت. از جمله موارد دیگری که می‌توان در اینجا بحث نمود، مواد مرتبط به سند برات می‌باشد که مطابق ماده ۲۳۷ قانون فوق‌الذکر در خصوص برات، بعد از اعتراض نکول برات دهنده و ظهرنویسان، به خواسته دارنده بایستی ضامنی برای تأدیه وجه آن در سررسید بدهند یا وجه برات را به همراه مخارج برات رجوعی اگر باشد فوراً پرداخت نمایند.

بر اساس این ماده زمانی که دارنده برات بانکول برات گیر مواجه می‌گردد، این حق را دارد که به اعتبار صادرکننده و ظهرنویس‌های آن برات، بی‌اعتماد شود و نسبت به وصول وجه برات در مورد مقرر نگران شود. قانون‌گذار نیز در پی احساس نگرانی دارنده در ماده ۲۳۷ قانون تجارت، اعتراض نکول سند را اماره قانونی بر آمادگی نداشتن و عدم تمایل متعهد به اجرای تعهد دانسته است و این اماره فقط با دادن ضامن معتبر یا پرداخت آن در سررسید، بی‌اثر می‌گردد.

همین‌طور در ماده ۲۳۸ قانون تجارت این‌چنین آمده است که: «اگر برعلیه کسی که براتی را قبول کرده، اما وجه آن را نپرداخته اعتراض عدم تأدیه شود، دارنده براتی نیز که همان شخص قبول کرده ولی هنوز موعد پرداخت آن نرسیده است می‌تواند از قبول‌کننده تقاضا نماید که برای پرداخت وجه آن ضامن دهد یا پرداخت آن را به نحو دیگری تضمین کند.» اعتراض مذکور یعنی اعتراض عدم تأدیه علیه گیرنده براتی که پرداخت برات را قبول کرده، اما در موعد مقرر، پرداخت را انجام نمی‌دهد و علیه او اعتراض عدم تأدیه شده است، نشانگر این است که شخص مذکور در حال توقف پرداخت‌ها قرار دارد. به وجود آمدن چنین وضعیتی به دارندگان اسناد تجاری دیگری که همان تاجر قبولی نوشته ولیکن سررسید آنها نشده است این حق را می‌دهد که در مورد

پرداخت وجه اسناد خود توسط شخص مذکور مشکوک و نگران باشند. البته ناگفته نماند ضمانت اجرای عدم تضمین پرداخت و عدم معرفی ضامن در این ماده قید نشده، البته در این صورت طرف دیگر حقی برای فسخ نخواهد داشت و باید اجبار طرف اول را از محکمه بخواهد (رحیمی، ۱۳۸۴: ۱۴۰).

از موارد دیگری که شباهت زیادی به حق فسخ در رابطه با پیش‌بینی نقض قرارداد دارد، مبحث خیار تعذر تسلیم است. خیار تعذر تسلیم، یعنی هرگاه ناتوانی در تسلیم مورد معامله بعد از عقد عارض گردد، خواه اینکه در طبیعت موضوع باشد یا در توانایی مالی متعهد، طرف دیگر قرارداد می‌تواند آن را فسخ نماید (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۳۹۶).

چنانچه سبب عدم انجام تعهد احتراز ناپذیر و خارجی باشد و به عبارت دیگر قوه قاهره باشد، طرف نباید خسارتی بپردازد؛ چرا که از اجرای تعهد معاف می‌گردد. البته طرف دیگر می‌تواند عقد را فسخ نماید. چنانچه مورد معامله عین شخصی باشد حوادث خارجی سبب تلف آن گردد عقد منفسخ می‌گردد و اگر سبب ناتوانی داخلی باشد طرف دیگر می‌تواند عقد را برای جلوگیری از ضرر آینده خویش فسخ کند و خسارت وارده را نیز مطالبه نماید (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۴۶-۱۴۵). با این اوصاف فقط در صورت تعذر تسلیم است بتوان حق فسخ ناشی از نقض پیش از موعد را در حقوق ایران به رسمیت شناخت و در بقیه موارد پذیرش حق فسخ بعید به نظر می‌رسد.

۳-۲. اعمال فسخ از منظر اسناد بین‌الملل

پیدایش و تنوع قواعد و مقررات مختلف حقوقی در کشورهای مختلف و نداشتن احاطه به تمامی آنها، موانع جدی در ایجاد ارتباط سریع همراه با اطمینان خاطر اتباع این کشورها با یکدیگر را ایجاد می‌نماید (امینی، ۱۳۹۲: ۲۴). در گذشته‌ها که نوع ارتباط اتباع دو کشور بیگانه محدود بود و چاره حل مشکلات در قواعد حل تعارض بررسی می‌شد، لیکن اکنون جهت توسعه و رشد تجارت بین‌المللی، یکسان‌سازی و هماهنگ‌سازی حقوق خصوصاً در قراردادها از موارد ضروری است که سال‌هاست تلاش در این زمینه در سطح قاره‌ای و هم‌جهانی شکل به خصوصی به خود گرفته است.

تدوین مقررات کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، اصول قراردادهای اروپا و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی همگان نتیجه تلاش برای هماهنگ‌سازی می‌باشد که اولین دلیل در توجیه این هماهنگی‌ها این است که تاجران بتوانند برای کسب موفقیت در عرصه تجارت بین‌الملل که امری پیچیده است، قراردادها را پیش‌بینی نمایند و با تنوع قوانین و مقررات در نظام‌های مختلف حقوقی و عدم تسلط کافی بر همه آنها، پیش‌بینی تعهدات حقوق ناشی از قراردادها تنها در سایه قواعد یکسان بین‌المللی قابل تحقق می‌باشد (شعاریان و رحیمی، ۱۳۹۳: ۴۸). مضاف بر این موضوعاتی وجود دارد که مقررات داخلی به تنهایی برای ایجاد انضباط کافی در آنها، دیده نمی‌شود و لازم

است با وضع مقررات بین‌المللی هماهنگ و یکسان‌سازی کشورهای دیگر به آنها نظم و ترتیب خاصی داد (شیروی، ۱۳۹۲: ۶۱).

ضرورت هماهنگ‌سازی جهت تدارک اصل تسریع در تجارت بین‌الملل از نکات مهمی است که نباید از ذهن و از نظر دور داشت؛ چرا که توسل به قوانین متنوع کشورها در حل اختلاف قطعاً از موجبات اطاله دادرسی می‌باشد و طرفین را متضرر می‌نماید، لذا با قواعد یکسان رسیدگی‌ها در سریع‌ترین زمان ممکن صورت خواهد گرفت.

۳-۲-۱. اصول قراردادهای اروپایی

اصول قراردادهای اروپایی مشابه کنوانسیون بین‌المللی کالا صراحتاً فسخ قرارداد را به نفع متعهدله پیش‌بینی نموده و به عبارت دیگر اصول قراردادهای اروپایی در تدوین مقررات از کنوانسیون بهره‌مند شده است از این رو مقررات آنها در مواقع بسیاری شباهت‌های فراوانی دارند.

در رابطه با فسخ قرارداد مطابق ماده ۳۰۴-۹ اصول قراردادهای اروپا مقرر می‌دارد: «چنانچه قبل از زمان اجرا معلوم گردد که نقض اساسی توسط یکی از طرفین رخ خواهد داد، طرف دیگر می‌تواند قرارداد را فسخ نماید» همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، شرایط اعمال این ماده همانند ماده ۷۲ کنوانسیون بین‌المللی است. از یک طرف در رابطه با درجه قطعیت که نقض رخ خواهد داد از واژه معلوم شود «اگر روشن باشد»^۱ بهره برده است که این واژه تکراری از ماده ۷۲ گرفته شده است و همین‌طور اهمیت نقض احتمالی خواننده ماده ۷۲ از نقض اساسی استفاده کرده است (هانولد،^۲ ۱۹۸۲: ۴۱۴).

با وجود این مقررات اصول قراردادهای اروپایی در زمینه فسخ قراردادها تفاوت‌هایی نیز با مقررات کنوانسیون دارد. از یک سو مقررات کنوانسیون به نظر می‌رسد نسبت به مقررات اصول در خصوص فسخ قرارداد منصفانه‌تر می‌باشد.

۳-۲-۲. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

حق فسخ به علت پیش‌بینی نقض قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی^۳ کالا در ماده ۷۲ مقرر شده است:

(۱) هرگاه پیش از تاریخ اجرای قرارداد معین گردد که یکی از طرفین مرتکب نقض اساسی قرارداد در آینده خواهد شد طرف دیگر می‌تواند قرارداد را فسخ نماید.

1. if it is clear
2. Honnold
3. Termination of Contract



۲) طرفی که قصد اعلام فسخ قرارداد را دارد، اگر وقت اقتضا نماید مکلف است اخطار متعارفی به طرف دیگر دهد تا برای وی این امکان فراهم شود که تضمین کافی برای جهت ایفای تعهداتش بدهد.

۳) چنانچه طرفه مقابل اعلام نماید که تعهدات خود را اجرا نخواهد کرد، الزامات مذکور در بند پیشین منتفی خواهد بود.

ماده مرقوم با شرایطی متفاوت از ماده ۷۱ کنوانسیون به یک طرف قرارداد که نقض طرف دیگر را پیش‌بینی می‌نماید این اجازه را می‌دهد که قرارداد را فسخ کند. این ماده در سه بند مقرر شده که به هر یک در ذیل جداگانه پرداخت خواهد شد. بند ۱ ماده ۷۲ کنوانسیون بین‌المللی کالا، مطابق این بند چنانچه قبل از سررسید اجرای قرارداد «آشکار شود»^۱ که یکی از طرفین قرارداد مرتکب نقض اساسی قرارداد خواهد شد، به طرف دیگر این امکان را می‌دهد که قرارداد را فسخ نماید. در بند مذکور دو شرط برای اعمال حق فسخ پیش‌بینی شده است. شرط اول مربوط به میزان قطعیتی است که نقض را سبب خواهد شد و شرط دوم در رابطه با اهمیت نقض احتمالی می‌باشد (اشمیتوف، ۱۳۹۲: ۱۲۰).

مطابق شرط اول برای طرفی که قصد فسخ قرارداد را دارد بایستی آشکار شود که طرف دیگر قرارداد را نقض اساسی خواهد کرد و صرف تردید حتی اگر تردید منطقی باشد کافی نیست.

شرط دوم این که در ماده ۷۲ مقرر شده این است که نقض احتمالی بایستی مطابق با ماده ۲۵ کنوانسیون مذکور ماهیت اساسی داشته باشد. این شرط در رابطه با اجراهای ناقص احتمالی و اجراهای با تأخیر نیز اعمال می‌گردد. مطابق ماده ۲۵ کنوانسیون مذکور: «نقض قرارداد توسط یکی از طرفین هنگامی نقض اساسی محسوب می‌گردد که منجر به ورود چنین زبانی به طرف دیگر گردد که وی را از استحقاق آنچه انتظار آن را به موجب قرارداد داشته است، اساساً محروم نماید مگر اینکه طرفی که مبادرت به نقض قرارداد نموده است؛ نتیجه‌ای را پیش‌بینی نمی‌کرده و یک فرد متعارف همانند او نیز در اوضاع و احوال مشابه نمی‌توانسته چنین نتیجه‌ای را پیش‌بینی نماید».

با توجه به قسمت اخیر ماده ۲۵ مذکور «وی را از استحقاق آنچه انتظار آن را به موجب قرارداد داشته است، اساساً محروم نماید» بیانگر این است که ماده ۲۵ اشاره به گستردگی زیان دارد، بلکه در عوض به اهمیت منافی که برای متعهدله با توجه به قرارداد به وجود می‌آید نظر دارد. نتیجه اینکه نقض اساسی در صورتی به وجود می‌آید که زیان‌دیده بر اثر این اقدام منافع متوقع خود را از دست بدهد، بلکه متحمل خسارت دیگری هم بشود؛ بنابراین، وضعیت‌های زیر نقض اساسی محسوب نمی‌شود؛ فروشنده بخواهد از حق حبس استفاده نماید یا خریدار در پرداخت یک قسط

1. If it is clear

تخطی کند؛ بنابراین اخطار طرف دارای حسن نیت برای درخواست تضمینات کافی در رابطه با اجرا دو هدف را در پی خواهد داشت.

۴. حق فسخ قرارداد ناشی از پیش‌بینی نقض قرارداد

پیش‌بینی نقض قرارداد عبارت است از اینکه قبل از موعد فرارسیدن انجام تعهد از یک طرف قرارداد، دیگری پیش‌بینی کند که قرارداد از جانب طرف انجام نخواهد شد. به بیان دیگر پس از انعقاد قرارداد و قبل از موعد انجام آن مشخص گردد که یکی از طرفین یا بایع و یا مشتری بخش عمده‌ای از تعهدات خود را در موعد مقرر انجام نمی‌دهد، آیا بدون هیچ مجوزی قرارداد را با نقض اساسی مواجه خواهد کرد (رحیمی، ۱۳۸۴: ۱۱۶). در فرهنگ حقوقی برای اصطلاح پیش‌بینی نقض قرارداد آمده است که: «اعلامی توسط یکی از طرفین قرارداد دال بر اینکه تعهدات آینده ناشی از قرارداد را انجام نخواهد داد»، این موضوع زمانی اتفاق می‌افتد که یکی از طرفین قرارداد مؤجل به قصد مشخص و قطعی، پیش از زمانی که در عقد مشخص شده است اعلام نماید، در زمان سررسید قرارداد تعهد خود را ایفا نخواهد کرد.

ضمناً باید بیان داشت پیش‌بینی نقض قرارداد از طریق اعلام متعهد بر عدم انجام تعهد قراردادی خود در زمان سررسید خواهد بود و گاه شخص متعهدله از احوال نابسامان متعهدعلیه به طور متعارف و معقول این استنباط را می‌نماید که امکان اجرای قرارداد به دلایل مختلفی از جمله عدم توانایی متعهد و ورشکستگی وجود نخواهد داشت و گاه نیز نحوه رفتار متعهد به نحوی است که هر فرد معقولی را به این نتیجه می‌رساند که وی قصد انجام تعهد در زمان مقرر را ندارد.

۴-۱. مبانی حقوقی نظریه پیش‌بینی نقض قرارداد

در این قسمت مبانی حقوقی نظریه پیش‌بینی نقض قرارداد بررسی شده است، لذا این مبانی هر یک با ایرادات و حقایقی همراه است. در حقوق کشور ایالات متحده امریکا^۱ نظریه حاکم در این رابطه به این صورت است که اگر قرارداد زودتر از موعد توسط متعهد نقض گردد این نقض یک نقض فعلی و حال محسوب می‌شود، حتی اگر زمان انجام قرارداد نرسیده باشد. برای تحقق این موضوع لازم است که ابتدا قراردادی صحیح بین طرفین منعقد شده باشد و بر عهده متعهد، تعهدی بارشده باشد، فلذا از آنجا که هنوز موقع انجام تعهد اصلی فرا نرسیده است نمی‌توان به علت عدم انجام تعهد اصلی که از قرارداد نشأت می‌گیرد این نقض را نقض فعلی دانست (لیو چنگوی^۲، ۱۹۹۷: ۱۸۲).

1. United States American
2. Liu Chengwei

۴-۱-۱. خاتمه توافقی قرارداد

از دیگر مبانی حقوقی برای نظریه پیش‌بینی نقض قرارداد خاتمه دادن به قرارداد به صورت توافقی به شکل اقاله می‌باشد. عده‌ای اعتقاد دارند که نقض قرارداد چه به صورت احتمالی و یا چه به صورت واقعی به منزله ایجابی برای پایان دادن به قرارداد می‌باشد؛ زمانی که متعهد اعلام می‌کند که قصد و اراده انجام تعهد را در زمان مقرر ندارد از طرف متعهدله خود می‌خواهد که قرارداد را منحل کند یا طرف دیگر نیز می‌تواند همگام و هم‌سو با متعهد، قرارداد را خاتمه یافته اعلام کند و بدین ترتیب طرفین به طور صریح یا ضمنی در خصوص خاتمه قرارداد تبانی می‌کنند و به این تبانی اقاله می‌گویند (همت کار، ۱۳۸۴: ۷۷).

اما بایستی به این مبنا نقد کرد و در انتقاد به آن باید بیان نمود که یکی از شرایط تحقق اقاله وجود قصد و رضای طرفین و توافق آنها در رابطه با انحلال قرارداد است. همچنان که برای ایجاد و تأسیس یک ماهیت حقوقی قصد ایجاد و انشا لازم است برای از بین بردن این ماهیت نیز چنین قصدی ضروری است و در غیر این صورت اقاله واقع نمی‌گردد (شهبیدی، ۱۳۷۷: ۱۰۸). در صورتی که طرف متخلف از قرارداد در حال نقض قرارداد قصدی برای ایجاب اقاله ندارد و حتی می‌توان بیان کرد که در آن اوضاع و احوال اقاله را در نظر نخواهد داشت.

نقد دیگری که در این زمینه وجود دارد این است که آثار اقاله عبارت از انحلال عقد و قطع آثار آن نسبت به آینده می‌باشد (همان: ۱۰۸)، اگر عقد کاملاً اجرا نشده باشد سبب انحلال تعهدات ناشی از آن می‌شود و در نتیجه انحلال عقد یکی از عین یا بدل آنها در صورت تلف شدن به مالک پیش از عقد خود بازمی‌گردد. در این میان تنها مطالبه خسارت ناشی از نقض قرارداد مفهوم خاصی ندارد، بلکه با اقاله نیز سازگاری ندارد؛ اما نقض احتمالی قرارداد همواره به عنوان یکی از اسباب نقض مطرح است و حق مطالبه فوری خسارت را برای زیان‌دیده به وجود می‌آورد؛ بنابراین به نظر می‌رسد فسخ قرارداد در اثر پیش‌بینی نقض قرارداد ناشی از اعمال حقوقی است که با بهره‌مندی از مقررات نقض احتمالی به دست می‌آید نه، در نتیجه اقاله قرارداد و این نظر با این استدلال مردود خواهد بود.

۴-۱-۲. قاعده مستند به عرف معاملات تجاری^۱

عرف مسلم حاکم بر حقوق تجارتی بیشتر در جهت استحکام معامله‌ها و در عین حال موجبات تسهیل در جهت احقاق حقوق تشکیل‌دهندگان عقود گام برداشته است. در جهان تجاری امروزه سرنوشت به گونه‌ای شده است که آنها نمی‌توانند از کنار احتمالات ناخوشایند به‌راحتی گذر کنند؛ چرا که تخلف از قرارداد سبب خلف وعده دیگران نیز خواهد بود. این عرف تجاری به تاجر امکان این را می‌دهد که در روابط تجاری خود نگران آینده باشد و قبل از حدوث واقعه به فکر

1. Commercial trade

جلوگیری از تخلف قراردادی باشد و می‌تواند با تکیه بر معیارهای متعارف قبل از اینکه خسارت ناشی از نقض تعهد وسعت یابد قرارداد را فسخ یا آن را به حالت تعلیق درآورد (همت کار، ۱۳۸۴: ۷۷). عرف حقوقی و تجاری این امر را تجویز نمی‌نماید که تاجری با مشاهده اوضاع و احوال نابسامان طرف معامله‌اش، منتظر زمان انجام تعهد باقی بماند و هیچ اقدام مثبتی انجام ندهد.

۴-۲. پیش‌بینی نقض قرارداد از منظر اسناد بین‌الملل

در قسمت دوم ماده ۲۵ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، برای تحقق نقض اساسی قرارداد، مضاف بر ورود لطمه مهم به منفعت مورد نظر طرف دیگر قرارداد، بحث پیش‌بینی نقض شدن قرارداد نیز آمده است. برای محقق شدن نقض اساسی قرارداد، ناقض، به مثابه یک شخص معقول و متعارف نیز در اوضاع مشابه بایستی زیان و صدمه را پیش‌بینی نماید. مع‌ذلک اساسی بودن نقض قرارداد نه فقط به آثار نقض بلکه به قابلیت پیش‌بینی آن نیز بستگی دارد (زلیر^۱، ۲۰۰۵: ۱۲۰). بار اثباتی نداشتن قابلیت پیش‌بینی به عهده آن طرف قرارداد است که آن را نقض نموده است (صفایی و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۷). خسارت دیده بایستی ورود خسارت و زیان در رابطه با انتظارات مربوط به حق خودش از قرارداد را ثابت نماید. بعد از اثبات کردن ورود زیان، اثبات عدم قابلیت پیش‌بینی ورود زیان به عهده ناقض قرارداد هست و این شخص بایستی عدم قابلیت پیش‌بینی را اثبات نماید و در این راستا بایستی دو نکته اثبات گردد؛ اول اینکه برای او هیچ‌گونه لطمه ناشی از نقض قرارداد قابل پیش‌بینی نبوده به عبارت دیگر او هیچ‌گاه چنین نقضی را پیش‌بینی نکرده بوده است و نکته بعدی اینکه هر شخص متعارف دیگری نیز نمی‌توانسته این امر را پیش‌بینی نمایند (آیزلن^۲، ۲۰۰۶: ۴).

در صورت اینکه دو فرض اخیر اثبات گردد، نقش اساسی قرارداد منتفی خواهد بود. معمولاً هنگامی که صحبت از نقض قرارداد به میان می‌آید اجرا نشدن قرارداد در تاریخ مورد توافق طرفین نیز به ذهن متبادر می‌شود. در حقوق تجارت بین‌الملل این امکان همیشه وجود دارد که قرارداد در حین اجرا متوقف یا با مشکل مواجه شود و برای همین منظور امکان نقض قرارداد، قبل از تاریخ پیش‌بینی شده در قرارداد از سوی بعضی از نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است و حتی در برخی موارد ضمانت اجرای سنگینی همچون فسخ را برای آن مقرر کردند. دکترین در نظام حقوقی کامن لا در این رابطه پیش‌بینی نقض قرارداد را به رسمیت می‌شناسد، لذا مطابق با این نظریه هرگاه این موضوع قابل پیش‌بینی باشد که دو طرف قرارداد در سررسید تعهدات خود را نتوانند به موقع اجرا گذارند منطقاً طرف دیگر نمی‌تواند مکلف به ایفای تعهدات خود مطابق قرارداد باشد.

1. Zeller
2. Eiselen

اگر پس از انعقاد عقد و قبل از رسیدن انجام آن مشخص گردد که یکی از طرفین، قرارداد خود را در آینده نمی‌تواند اجرا کند، در اینجا سؤال پیش می‌آید که آیا در چنین حالتی به عنوان نمونه مشتری را باید مجبور به پرداخت ثمن کرد، حتی اگر معلوم باشد که بائع مبیع را تسلیم نمی‌کند یا کالای غیر منطبق با قرارداد تحویل خواهد داد؟ یا بالعکس بایستی بائع را الزام به تحویل مبیع نمود، حتی اگر مشخص باشد مشتری قصد پرداخت ثمن را نخواهد داشت؟ با عنایت به اسناد مورد مطالعه در این رابطه باید به این سؤالات پاسخ منفی داد و دکتترین در این باره دو ضمانت اجرای متفاوت را پیش‌بینی نموده‌اند که شامل «فسخ قرارداد» و «تعلیق قرارداد» می‌شود. با توجه به مقررات مربوط به پیش‌بینی نقض قرارداد قبل از موعد اجرای آن در مواد ۷۱ و ۷۲ کنوانسیون و بندهای ۷,۳,۳ و ۷,۳,۴ اصول یونی دوغا و ۳۰۴-۹ اصول حقوق قراردادهای اروپا مقرر شده است.

۳-۴. قابلیت پیش‌بینی زیان‌های قراردادی

از جمله موارد لزوم ویژگی در مطالبه خسارت، قابلیت پیش‌بینی زیان‌های وارده می‌باشد. تاریخچه این قاعده در قانون مدنی ۱۸۰۴ فرانسه دانسته شده است که بعد از آن به سایر سیستم‌های حقوقی دیگر نیز تسری یافته است (شعاریان و رحیمی، ۱۳۹۳: ۷۸۱).

ماده ۷-۴-۴ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی در این رابطه مقرر نموده است: «طرف مسئول عدم اجرای تعهد تنها مسئول صدمه ای است که در زمان وقوع قرارداد آن را به عنوان خسارتی که احتمال داشت از ایفا نکردن تعهد از جانب وی حاصل گردد پیش‌بینی کرده بود یا به صورت متعارف می‌توانست پیش‌بینی نماید».

ماده ۷۴ کنوانسیون، ضمانت تعهد قراردادی را به خسارت قابل پیش‌بینی محدود نموده است، منظور خسارتی است که با توجه به آینده به وجود آمدن آن معقول می‌باشد به عبارت دیگر برحسب اوضاع و احوال فعلی، به وجود آمدن آن در آینده از قبل دانسته شود. حال با عنایت به این موضوع سؤالی که پیش می‌آید اینکه ملاک قابل پیش‌بینی بودن زیان وارده جنبه نوعی یا جنبه شخصی دارد؟ با عنایت به قسمت اخیر ماده ۷۴ کنوانسیون هر دو ملاک شخصی و نوعی به صورت جانشینی مطرح شده است: «... خسارت نمی‌تواند از مقدار زیانی که نقض کننده در زمان انعقاد قرارداد و به مدد واقعات و موضوعاتی که در همان موقع به آنها واقف بوده یا می‌بایست واقف باشد، به عنوان اثر ممکن الحصول نقض قرارداد پیش‌بینی کرده یا می‌بایستی پیش‌بینی می‌کرد، متجاوز باشد» گاهی فقط خود شخص متعهد زیان و آثار آن را می‌تواند پیش‌بینی نماید و گاهی نیز ممکن است هر شخص معقول و متعارفی این امر را پیش‌بینی کند. با این حال برای قابلیت مطالبه زیان‌های ناشی از نقض تعهد کفایت می‌کند که زیان‌ها را شخص متعهد پیش‌بینی نموده باشد و یا برای هر انسان معقولی قابل پیش‌بینی باشد، هر چند خود متعهد چنین پیش‌بینی را نکرده

باشد دیدگاه مذکور با عنایت به متن مواد مذکور در اسناد دیگر بین‌المللی نیز پذیرفته شده است (ساوید^۱، ۲۰۰۹: ۲۰۲).

۵. تعلیق اجرای قرارداد به دلیل پیش‌بینی نقض

۵-۱. تعلیق در حقوق ایران

در مبانی حقوقی ایران موادی که مشابه کنوانسیون یا اصول قراردادهای اروپایی موجبات تعلیق اجرای قرارداد را مبنای پیش‌بینی نقض قرارداد فراهم کند، وجود ندارد. لیکن می‌توان تا حدودی در رابطه با این مطلب از پاره‌ای مواد قانونی بهره برد. در حقوق کشور ایران، در قرارداد بیع اگر فروشنده موافقت نماید که کالا را ابتدا تحویل خریدار دهد و به عبارتی تراضی به معامله نسبه نماید و سپس شیوه رفتار مشتری در مقدمات اجرا یا در خود اجرای قرارداد مشخص شود که مشتری مبلغ قرارداد را پرداخت نخواهد کرد و به عبارتی دیگر بخش اساسی از تعهدات خود را ایفا نمی‌نماید به نظر نمی‌رسد که باید اجازه داشته باشد تا کالا را تحویل ندهد و در سررسید معین به تعهد خود عمل نکند و قرارداد را معلق نماید و یا اگر مشتری موافقت کرده که پرداخت را ابتدا انجام دهد و بعد با بیع اعلام نماید که قصد ندارد که کالا را ارسال کند یا قرارداد را به نحوی همانند فروش مال به دیگری و با این روش‌ها بفروشد که مشخص شود در آینده قصد تحویل کالا را ندارد؛ در اینجا نیز نمی‌توان به مشتری این اجازه را داد که پرداخت ثمن را معلق کند (رحیمی، ۱۳۹۱: ۱۲۸). در این رابطه ماده ۳۷۶ قانون مدنی مقرر می‌نماید: «در صورت تأخیر در تسلیم مبیع یا ثمن ممتنع اجبار می‌گردد» همین‌طور این موضوع به خوبی از استنباط ماده ۳۷۷ قانون مدنی معلوم می‌گردد: «هر یک از بایع و مشتری حق دارد از تحویل مبیع و ثمن خودداری کند تا طرف دیگر حاضر به تسلیم گردد مگر اینکه مبیع یا ثمن مؤجل باشد. در این صورت هر کدام از مبیع یا ثمن حال باشد باید تسلیم شود». این قاعده به نام حق حبس می‌باشد که از مقرراتی است که شبیه به ضمانت اجرای تعلیق نیز می‌باشد که از همبستگی دو عوض متقابل در عقد نشأت می‌گیرد و بر اساس آن هر یک از دو طرف معامله می‌تواند اجرای تعهد خود را به اجرای تعهد دیگری یا به تسلیم عوض قراردادی منوط نماید.

لیکن بایستی این موضوع مدنظر قرار گیرد که لزوم قابل مطالبه بودن طلب و منجز بودن آن از جمله شرایط مهم برای اجرای این حق می‌باشد؛ بنابراین گسترش حق حبس و تعلیق اجرای قرارداد، به پیش‌بینی احتمالی و فرضیه عدم انجام تعهد متقابل در آینده ممکن نمی‌باشد. از این‌رو حق حبس در قوانین ایران مضیق و محدود به عقود حال می‌باشد و پیش‌بینی عدم اجرای آن حقی را برای طرف دیگر ایجاد نمی‌نماید و هر کدام از مبیع یا ثمن که حال باشد بایستی به طرف دیگر تسلیم گردد و دیگری (متعهدله) انتظار وصول عوض در زمان سررسید را بکشد (امامی، ۱۳۸۲:

1. Saidov

۴۵۸). ولی در صورت نقصان فاحش در انجام تعهد در توانایی متعهد یا اعتبار او به نظر ممکن است در قوانین مصداقی برای این موضوع پیدا نمود. در این رابطه ماده ۳۸۷ قانون مدنی مقرر می‌نماید: «در صورتی که مشتری مفلس شود و عین مبیع نزد او موجود باشد بایع حق استرداد آن را دارد و اگر مبیع هنوز تسلیم نشده باشد می‌تواند از تسلیم آن خودداری و امتناع کند».

به نظر می‌رسد ذیل ماده مذکور به قرینه صدر ماده ۳۷۷ قانون مدنی نشان از اعطای حق حبس به بایع دارد و حق حبس در معامله‌ای که انجام تعهدات متقابل طرفینی هم‌زمان و در یک سررسید نمی‌باشد. با این اوصاف قانون مدنی همانند ماده ۷۱ کنوانسیون، برای طرفینی که تعهد آنها حال و در سررسید کنونی است، اجازه حق حبس داده می‌شود که این نظر دارای ایراداتی می‌باشد از جمله اینکه ماده ۷۱ کنوانسیون ناظر به نقض احتمالی توسط یکی از متعهد تعهد مؤجل می‌باشد، اما فرض ماده ۳۸۰ عدم پرداخت ثمن توسط مشتری می‌باشد قطعی و یقینی است و هیچ احتمالی در آن وجود ندارد.

با عنایت به آنچه در رابطه با قواعد حقوق تجارت که قانون اخیر از قانون مدنی می‌باشد این نظر را تقویت می‌کند که این مواد مرتبط به حق حبس می‌باشد و ارتباطی با حق فسخ ندارد. البته ماده ۵۳۴ در این رابطه مقرر شده: «در ۲ ماده قبل مدیر تصفیه می‌تواند با اجازه عضو ناظر، تسلیم مال‌التجاره را تقاضا نماید، ولی باید قیمتی را که بین فروشنده و تاجر ورشکسته مقرر شده است بپردازد». با تحلیل و توجه به حکم اخیر معلوم می‌شود که فرض ۲ ماده بیان شده هیچ‌گونه دلالتی بر فسخ عقد بیع ندارد؛ زیرا، اگر برای فروشنده حق فسخ به وجود آمده باشد و استرداد مبیع یا امتناع از تسلیم آن از نتایج حق فسخ و در راستای آن باشد، بحث اراده مدیر تصفیه مطرح نمی‌شود و مدیر تصفیه نمی‌تواند عقد فسخ‌شده را احیا نماید؛ چرا که عقد فسخ شده نیست می‌گردد و برای به وجود آمدن مجدد آن نیاز به ایجاب و قبول از طرف طرفین عقد دارد. بنابراین ماده ۵۳۴ قانون تجارت که با ورشکستگی مشتری و تحقیق عدم ایفای تعهد مشتری در آینده، حکم به تعلیق قرارداد دارد و با احتیاط باید بیان نمود که تعلیق قرارداد آن را معدوم و منحل نمی‌نماید، بنابراین با پرداخت عوض معامله توسط مدیر تصفیه به عنوان بارزترین مصداق تضمین کافی که در بند ۳ ماده ۷۱ کنوانسیون مقرر شده تعلیق قرارداد را منتفی می‌نماید و قرارداد مجدداً جریان می‌یابد (باقرزاده، ۱۳۸۴: ۱۱). حال با عنایت به مبنای نظریه در این رابطه بتوان راه‌حلی همانند کنوانسیون یا اصول و قراردادهای تجاری بین‌المللی داد، بدین معنا که اگر مبنای تعلیق، ایجاد ضرر دانسته شود مسئله توجیه‌پذیرتر می‌شود. چون در صورتی که دلایل قوی بر ورود خسارت احتمالی وجود داشته باشد قاعده لاضرر واجب بودن ایفای تعهد مقدم را مرتفع می‌نماید.

با عنایت به مطالب مطروحه باید تحت عنوان نتیجه در حقوق ایران بیان نمود که اگرچه به صراحت تعلیق به دلیل پیش‌بینی نقض وجود ندارد، لذا الزام یکی از طرفین به اجرای تعهد در

حالتی که معلوم است، طرف دیگر بخش مهم و اساسی از تعهدات خود را ایفا نمی‌نماید، موضوعی است که با عدالت همخوانی و سازگاری ندارد و نهایت این که شاید بتوان با توجه به مفهوم وسیع همبستگی و عوضین و دلالت عرفی، در موارد این چنینی تعلیق اجرای قرارداد را مجاز دانست.

۵-۲. تعلیق قرارداد از منظر اسناد بین‌الملل

۵-۲-۱. مطابق کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

در خصوص تعلیق اجرای تعهدات^۱ ابتدا بایستی عنوان کرد که اعطای حق تعلیق یک طرف از قرارداد که خود را از مسئولیت تعهدات قراردادی خود آزاد اعلام نماید؛ آن هم زمانی که شک دارد طرف مقابل قرارداد، آن را نقض خواهد نمود، با اهداف کنوانسیون از جمله حفظ قراردادهای تجاری تا حد ممکن و کاستن از حجم پرونده‌ها در مراجع رسیدگی کننده، تناقض دارد. با این وجود، در مقررات کنوانسیون به این امر توجه شده که طرفی که متعهد قرارداد است، بایستی ابتدا هم قرارداد را اجرا نماید یا مقدمات اجرای آن را فراهم کند، چنانچه احتمال اینکه طرف قرارداد بخشی یا کل قرارداد را ایفا نکند نیز بایستی مورد حمایت قرار بگیرد. به عبارتی صحیح‌تر تدوین کنندگان مقررات این جمله معتقدند که اگر معلوم گردد که طرف متعهد و تعهدات خود را انجام نخواهد داد، برای متعهدله مناسب نیست که اجرای تعهد خود را ادامه دهد که نتیجه آن احتمالی شدن یک ضرر قطعی برای وی باشد. سپس، با یکی که تعهد داده باشد که به صورت نسبه اجناسی را تحویل نماید بایستی در مواردی که قبل از تحویل خریدار دچار اعسار گردیده مورد حمایت قرار بگیرد. به همین نحو، مشتری که تعهد داده است که ثمن کالا را قبل از تحویل پرداخت نماید، در مواردی که قبل از ایفای تعهد معین گردد که فروشنده قادر به ایفای تعهدات خود نمی‌باشد یا اوضاع و احوال بیانگر آن باشد، بایستی از وی حمایت نمود؛ بنابراین ماده ۷۱ کنوانسیون اجازه می‌دهد که طرف دیگر خودش قرارداد را معلق سازد. به بیان دیگر طرفی که منافعش به وسیله قصور بالقوه طرف دیگر در انجام تعهدات قراردادی تهدید می‌شود، امکان دارد هم‌زمان از تعهدات خویش معاف شود (لیو چنگوی^۲، ۱۹۹۷: ۱۸۲).

۵-۲-۲. تعلیق در اصول قراردادهای اروپایی

در رابطه با تعلیق اجرای تعهدات اصول قراردادهای اروپایی مقرراتی را وضع کرده و با وجود اینکه در تدوین مقررات از کنوانسیون الهام گرفته است، ولی تفاوت‌های آشکاری در این رابطه وجود دارد و مشاهده می‌گردد. در رابطه با تعلیق اجرای قرارداد ماده ۱۰۵-۸ اصول قراردادهای

1. Suspension of obligations
2. Liu Chengwei

اروپایی چنین مقرر می نماید که یک طرف که به طور معقولی به این باور رسیده که نقش اساسی توسط طرف مقابل رخ خواهد داد می تواند برای اجرا تقاضای تضمین کافی نماید و ضمناً می تواند اعمال و اجرای تعهدات خود را تا هنگامی که چنین باوری عقلانی وجود دارد، ادامه دهد. ضمناً اگر این تضمینات در یک مدت زمان معقولی فراهم نگردد، طرف قرارداد چنانچه به طور معقولی هنوز اعتقاد دارد که نقش اساسی در آینده رخ خواهد داد و به طرف دیگر اخطار فسخ را سریعاً اطلاع دهد می تواند فسخ قرارداد را اعمال نماید.

با اینکه ماده مرقوم همانند ماده ۷۱ کنوانسیون، بحث تعلیق در قرارداد را پیش بینی کرده است، ولی شرایط اعمال تعلیق در این دو ماده متفاوت است. اولاً به درجه ای از قطعیت نیاز است که بتوان گفت نقض رخ خواهد داد، به عبارتی در اصول قراردادهای اروپایی برخلاف کنوانسیون که معیار نوعی تحت عبارت «معلوم شود» دارد؛ نیاز است که متعهد له «به طور معقولی بر این باور برسد»^۱ که نقش اساسی رخ خواهد داد شرایط ماده را محقق می نماید. در اصول قراردادهای صرف مشکوک بودن به میل و توانایی در اجرا به متعهدله اجازه می دهد که اجرای قرارداد خویش را معلق کند. با توجه به توضیحات فوق به نظر می رسد که اصول قراردادهای اروپایی نسبت به کنوانسیون بیشتر به سمت شخصی کردن مقررات مربوط به تعلیق قرارداد سوق یافته است (لیو چنگوی^۲، ۱۹۹۷: ۱۴۵) و اختلاف دیگری که در خصوص دو ماده فوق الذکر در اصول قراردادهای اروپایی و کنوانسیون می توان بیان نمود این است که در کنوانسیون لازم بود، نقد در خصوص بخش مهمی از تعهدات صورت بگیرد، ولی در اصول قراردادهای اروپایی نیاز است که نقض احتمالی فقط ماهیت اساسی داشته باشد. در نتیجه اگر نقض احتمالی ماهیت غیر اساسی داشته باشد منافع شخص بی تقصیر بدون جبران باقی می ماند.

بحث و نتیجه گیری

آنچه از مطالب پیش گفته نتیجه گیری می شود قواعد حقوقی حاکم بر جبران خسارت با نظریه پیش بینی نقض قرارداد دارای فروض و ابعاد مختلفی است، لکن در این میان جوهر و فرض اصلی این معضل که آن را از سایر مسائل مشابه و مرتبط، مانند عدم امکان با استنکاف از اجرای قرارداد و یا مسائل مربوط به اثبات و میزان ارزشمندی و اعتبار ادله اثبات از حیث درجه اعتقادی که از آنها ناشی می شود، باعث ایجاد چالش هایی در بحث جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد شده است و جایگاه پیش بینی نقض قرارداد را در این میان جدا می کند؛ چرا که چگونگی اثبات وجود تعهد و الزام بالفعل و در نتیجه امکان اثبات نقض بالفعل در تعهدات امری و الزاماتی که به بار می آورد امری طبیعی می باشد.

1. A Party who reasonably believes that
2. Liu Chengwei

از آنجا که اصل حفظ و بقای قرارداد از اصول مهم پذیرفته شده در کنوانسیون بیع بین‌المللی و قراردادهای بین‌المللی است و فسخ قرارداد کاملاً جنبه استثنایی دارد، در اعمال حق فسخ باید با احتیاط بیشتری عمل کرد. حق فسخ به واسطه نقض احتمالی تیغ دو لبه‌ای است که در صورت عدم اعمال دقیق و صحیح آن برای طرفی که قصد فسخ قرارداد را دارد، ممکن است خطراتی را در برداشته و نتیجه عکس دهد.

چون اگر یک طرف بدون رعایت شرایط اقدام به فسخ قرارداد نماید، عمل خود او نقض اساسی تلقی خواهد شد و این عمل به طرف دیگر حق فسخ قرارداد را خواهد داد. در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی کشورها نهاد «نقض قابل پیش‌بینی قرارداد»^۱ وجود دارد که در صورت احراز شرایط آن علاوه بر اعمال حق فسخ، متضرر می‌تواند خسارت را نیز مطالبه نماید که از شیوه‌های عینی و ذهنی ارزیابی خسارت، با رعایت شرایط مربوطه می‌توان استفاده کرد.

همان‌طور که بیان شد این موضوع اثبات گردیده که تبعیت بیع بین‌المللی از قواعد و مقررات حقوق داخلی راه حل مناسبی نخواهد بود و حتی قواعد حل تعارض که به فراخور کشورها نیز تفاوت دارد، قادر نیست نیاز به قواعد یکسان را در مورد عقد بیع در سطوح بین‌المللی مرتفع نماید. در حقوق ایران حق فسخی با شرایط و آثار مقرر در ماده ۷۲ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا وجود ندارد و در آثار فقها نیز این نوع حق فسخ مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است.

بنابراین نمی‌توان این قاعده را به عنوان یکی از قواعد موجود در حقوق داخلی ایران معرفی کرد و به تبع آن نیز جبران خسارات ناشی از نقض قرارداد به شیوه مرسوم در اسناد بین‌المللی قابل اعمال نمی‌باشد، ولی این موضوع مانع از آن نمی‌شود که این حق به عنوان یک خیار فسخ جدید مورد شناسایی مقنن ایران واقع شود (خواه با الحاق به کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا این حق را مورد شناسایی قرار دهد و یا به‌طور مستقل آن را در قوانین داخلی بپذیرد)؛ چرا که اعمال این قاعده تعارضی با سایر قواعد حقوق داخلی ندارد. در این پژوهش ضمن بررسی و تحلیل ارزیابی جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد در حقوق ایران در مقایسه با اسناد بین‌المللی و برتری هر کدام بر دیگری این موضوع به اثبات رسید که نظام حقوقی حاکم در ایران بدون در نظر گرفتن اصول و قواعد ناشی از اسناد بین‌الملل قادر به هم‌پوشانی چنین دعاوی به لحاظ جبران خسارات ناشی از فسخ قرارداد و پیش‌بینی نقض آن ندارد.

همچنین باید اذعان داشت این‌گونه بررسی‌های علمی و مقایسه‌ای، کمک می‌کند که دادگاه‌های ایران آشنایی بیشتری را با اسناد بین‌المللی و قواعد حقوقی حاکم بر آن پیدا کنند و شرایط برای مواجهه و پذیرش اسناد بین‌المللی آماده شود. بررسی و تبیین چنین اسناد فراملی باعث آشنایی دولت و فعالان اقتصادی و تجار با این امر شده و موجب تأمل و احتیاط بیشتر در حوزه

1. Predictable breach of contract

تجارت بین الملل از باب جبران خسارات ناشی از فسخ قراردادها با خطری کمتر خواهد شد. همچنین بیشترین نقض قرارداد معمولاً در قراردادهای مدت دار و مستمر مانند قراردادهای پیمانکاری یا قراردادهای سفارش تهیه و ساخت کالا رخ می دهد، لذا آشنایی با عواقب نقض قرارداد برای اکثریت تجار، کارفرمایان و حقوقدانان و همچنین کسانی که طرف چنین قراردادهایی هستند، سودمند است و این افراد باید از حقوق و تکالیف خود در این فرض آگاه باشند.

سپاسگزاری

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

منابع

- اخلاقی، بهروز؛ امام، فرهاد. (۱۳۸۵). اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی. شهر دانش.
- اشمیتوف، کلایو ام. (۱۳۹۲). حقوق تجارت بین‌الملل. ترجمه بهروز اخلاقی و همکاران. جلد ۱. سمت.
- امامی، سیدحسین. (۱۳۷۸). حقوق مدنی. جلد اول. انتشارات اسلامی.
- امینی، سید ابراهیم. (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی شیوه پرداخت و تعیین ثمن در حقوق ایران، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین. مطالعات حقوق تطبیقی، ۴(۱)، ۲۳-۳۹.

https://icl.ut.ac.ir/article_35228.html

- بابائی، ایرج. (۱۳۸۴). نقد اصل قابلیت جبران کلیه خسارات در حقوق مسئولیت مدنی ایران. پژوهش حقوق عمومی، ۷(۱۶): ۸۳-۴۵.

<http://ensani.ir/fa/article/4786>

- بارراگراف، ج و همکاران. (۱۳۷۴). تفسیری بر حقوق بین‌المللی. ترجمه مهراب داراب پور. جلد ۳. گنج دانش.

- باقرزاده، حمید. (۱۳۸۴). نقض کارآمد قرارداد در حقوق ایران. حقوق خصوصی، ۳(۸): ۲۹۵-۲۷۵.

<http://ensani.ir/fa/article/370597>

- رحیمی، حبیب‌الله. (۱۳۸۴). پیش‌بینی نقض قرارداد. پژوهش حقوق عمومی، ۷(۱۶): ۱۴۵-۱۱۵.

https://qjpl.atu.ac.ir/article_2921.html

- رنجبر، مسعود رضا. (۱۳۹۱). تعیین خسارت ناشی از نقض قرارداد. میزان.

- ره‌پیک، حسن. (۱۳۸۱). حقوق مدنی، الزامات بدون قرارداد. اطلاعات.

- شعاریان، ابراهیم؛ رحیمی، فرشاد (۱۳۹۳). حقوق بین‌المللی. چاپ اول. شهر دانش.

- شهیدی، مهدی. (۱۳۸۳). آثار قراردادهای و تعهدات. مجلد.

- شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۲). حقوق تجارت بین‌الملل. سمت.

- صفایی، حسین. (۱۳۸۵). مجموعه مقالات حقوق مدنی؛ قواعد عمومی قراردادها. جلد ۲. میزان.

- صفایی، سیدحسین. (۱۳۸۷). حقوق بیع بین‌المللی. دانشگاه تهران.

- قاسم‌زاده، مرتضی. (۱۳۸۳). حقوق مدنی، اصول قراردادهای و تعهدات. دادگستر.

- قاسمی، محسن. (۱۳۸۴). جبران خسارت نقض قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا حقوق ایران، فرانسه، مصر و لبنان. مجله حقوقی، ۱(۳۲): ۲۲۰-۱۳۹.

<http://ensani.ir/fa/article/123886>

- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۴). مسئولیت ناشی از عیب تولید. دانشگاه تهران.

- همت کار، حسین. (۱۳۸۴). نظریه مقابله با نقض احتمالی قرارداد. دانشکده علوم اداری و اقتصاد، ۱۷(۲): ۶۹-۹۱.

<http://ensani.ir/file/download/article/20101024153405-p0488300370691-85WB5Y.pdf>

- Bonell, M. J. (2012). *International Investment Contracts and General Contract Law: a Place for the UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts*, Available at: www.Heinonline.org, Accessed: 2017/1/26

- Chengwei, L. (2003). *Remedies for Non-performance: Perspectives from CISG, UNIDROIT Principles & PECL*, Law School of Renmin University of China. From: <http://cigw3.Law.Pace.Edu/biblio/Chengwei-75.Html>, Accessed: 2017/1/26



- Downie, D. (2013). *Indemnity and Exclusion Clauses; A Practical Approach under Australian Law*, Amazon Digital South Asia Services, Inter Alia Publishing.
- Eiselen, S (2006). *Proving the Quantum of Damages*, Received from: <http://cisgw>, Accessed: 2017/1/26.
- Honnold, J. (1982). *Uniform law for international sales, under the 1980 United Nations convention*, Detherlands: kluwer publishing.
- Lando O & Beale (2000). *The Principles of European Contract Law; Prepared by the Commission on European Contract Law*, Kluwer Law International, The Hague.
- Saidov, D. (2009). *the present state damages under the CISG: A Critical.Assessment*, Available, at: <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/saidov6.html>,
- Tettenton, A. (2004). *Punitive damages-A view from England*, San Diego.
- Zeller, B. (2005). *Damages under the Convention on Contracts for the International Sale of Goods*, Oceana: NY Publishing.